



صاحب اعتبار در جریان است. وی ادامه داد: براساس تقویم عملیاتی این پلیس مبنی بر پیش‌بینی تحرکات مجرمان سایبری، براساس رصدهای پیش‌دستانه در فضای مجازی توسط کارگروه‌های عملیاتی ویژه، فردی با هویت معلوم که با انجام تبلیغات گسترده در فضای مجازی عمدتاً شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های غیر بومی مدعی قبولی داوطلبان با هر میزان نمره و امتیاز کسب‌شده در دانشگاه‌های معتبر بود، شناسایی و دستگیر شد. وی افزود: این فرد شیاد با سوءاستفاده از نام اشخاص

انتخاب رشته کنکور و قبولی تضمینی؛ ترند مجرم سایبری

رئیس مرکز امداد و فوریت‌های سایبری پلیس فتای فراجا از شناسایی و دستگیری فردی خبر داد که با تبلیغات در فضای مجازی مبنی بر انتخاب رشته و قبولی تضمینی در دانشگاه‌ها، مترصد کلاهبرداری از متقاضیان بود. سرهنگ رامین پاشایی در تشریح این خبر گفت: همزمان با اعلام نتایج کنکور سراسری سال ۱۴۰۳ و مهلت تعیین‌شده در خصوص انتخاب رشته دانشگاهی تبلیغات متعددی در فضای مجازی مبنی بر ارائه مشاوره‌های تحصیلی توسط موسسات مجاز و

رودرو

تشر

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم
چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۴

کشف جرم به دور از هیاهو

سردار علی ولیپور گودرزی - رئیس پلیس آگاهی پایتخت هر هفته پرونده‌های سرقت در سکوت خبری و به دور از هیاهوی دنیای مجازی، در ادارات عملیاتی پلیس آگاهی کشف و متهمان زیادی را می‌بندند. شاید باز نشر تصاویر صحنه یک سرقت توجه افراد جامعه را در خصوص نتیجه پرونده به خود جلب کند اما در نوع کار و عملکرد کارآگاهان این پلیس تأثیری ندارد و با وجود فضای مجازی و بدون فضای مجازی من و همکارانم کشف پرونده‌های سرقت و کلاهبرداری و جرائم جنایی را وظیفه خود دانسته و افسران پرونده در انجام آن کوچک‌ترین کوتاهی نمی‌کنند. پس از دستگیری این موبایل‌قاپ‌ها برای تعداد زیادی از اصحاب رسانه این سؤال پیش آمده بود که باز نشر فیلم صحنه‌های سرقت چه تأثیری در مسیر کشف پرونده داشت. همان‌طور که فرمانده انتظامی تهران بزرگ نیز به آن اشاره کرد، این پرونده هم مانند سایر پرونده‌های تشکیل‌شده در پلیس آگاهی در حال رسیدگی بود و باز نشر کلیپ‌ها نه تنها موجب سرعت‌گرفتن دستگیری‌ها نشد که هوشیاری متهمان را در این خصوص که پلیس تصاویر مربوط به ارتکاب جرائم آنان را در اختیار دارد به همراه داشت و همین هوشیاری موجب جابه‌جایی متهمان به مخفیگاه‌های مختلف و به تعویق افتادن زمان دستگیری آنان شد. انتشار تصاویر افراد و صحنه‌های جرم شاید در خصوص برخی موارد مانند پرونده‌های فقدان به ویژه کودکان و افراد دچار اختلال حواس یا محکومان متواری (با دستور مقام قضایی) موثر و نتیجه‌بخش باشد اما در سایر موارد ایجاد التهاب در جامعه و القای حس ناامنی در بین افراد را به همراه داشته و موجب هوشیاری مجرمان و پیچیده‌تر شدن ابعاد پرونده‌ها می‌شود. با توجه به این موضوع ما انتظار داریم که ساکنان پایتخت به عنوان شهروندانی مسئول در صورت مواجهه با انواع جرائم و آسیب‌های اجتماعی به جای باز نشر تصاویر این اتفاقات در فضای مجازی تصاویر ضبط‌شده توسط خود یا دوربین‌های مدار بسته را در اختیار پلیس قرار دهند. این موضوع به تصاویر ضبط‌شده خلاصه نشده و ساکنان پایتخت می‌توانند علاوه بر تصاویر صحنه‌های وقوع جرم، اخبار و اطلاعات جرائم و آسیب‌های مرتبط با پلیس آگاهی را به صورت تلفنی و از طریق شماره‌های ۲۱۵۱۰۵۵۳۰۰ و ۲۱۵۱۰۵۵۳۰۷ در اختیار همکاران من قرار دهند و اطمینان داشته باشند، ضمن رعایت اصل رازداری اخبار اعلامی توسط آنان به خوبی بررسی و پیگیری خواهد شد. اینجانب به عنوان سکندار تخصصی‌ترین مرجع انتظامی کشف جرم در تهران از شما دعوت می‌کنم تا با همکاری خبری، یاریگر پلیس در اشراف اطلاعاتی و کشف جرائم بوده و حلقه‌ای از زنجیره درخشان گسترش امنیت و آرامش در جامعه باشید.



عکس: نورانی است

پای صحبت‌های عامل قتل زوج پولدار در تهران

من بی‌شعور بودم

امیرعلی حقیقت‌طلب **مردی میانسال، لاغر اندام، با جثه‌ای کوچک؛ اینها مشخصات قاتلی است که برای جنایتی هولناک اجیر و با بی‌رحمی مرتکب قتل دو نفر شده است. او در جریان محاکمه در دادگاه کیفری یک به پرسش‌های قاضی درباره قتل پاسخ داد و خیلی خونسرد به تشریح قتل زوج پولدار پرداخت.**

۱. به چه اتهامی دستگیر شدی؟
قتل مسلحانه زوج پولداری با شلیک گلوله.

۲. با آنها مشکل داشتی؟
نه، یک نفر دیگر مشکل داشت و ما را برای قتل اجیر کرد.

۳. مگر چند نفر بودید؟
من، پسر، شوهرخواهرم و یک نفر دیگر در قتل نقش داشتیم و بقیه در جعل سند.

۴. انگیزه‌اش برای قتل چه بود؟
دنبال تصاحب دارایی آنها بود. مقتولان وضع مالی خوبی داشتند، خانه‌هایشان بزرگ و در منطقه بالای شهر بود. فرزندان‌شان هم خارج زندگی می‌کردند. پرهام، مردی که ما را برای قتل اجیر کرد، با آنها آشنا بود و می‌خواست تمام دارایی این زوج را تصاحب کند. یکی از ملک‌های این زوج حدود هزار متر در شهرک غرب بود. آن موقع ۴۰۰ میلیارد می‌ارزید که الان بیشتر هم شده است. یک خانه هم در شمال شهر داشتند.

۵. چگونه با پرهام آشنا شدی؟
من و پسر در اینستاگرام ادعا کرده بودیم که می‌توانیم گواهی‌نامه بگیریم. پرهام هم

درخواست داد و گفت کار تمیز باشد، پول خوبی می‌دهد. خیلی راحت پول خرج می‌کرد. من و شوهرخواهرم هم چند روز قبل سکه عقیقه‌ای پیدا کرده بودیم و پرهام قول داده بود آن را پنج میلیارد تومان بخرد. من، پسر و شوهرخواهرم خام حرف‌ها و پول خرج کردن او شده بودیم. او خیلی خوب روی افراد تأثیر می‌گذاشت. چند روز قبل از قتل برای گرفتن پول سکه‌ها به تهران آمدم اما او من را به سمت قتل کشاند.

۶. سابقه داری؟
بله، یک بار به اتهام قتل دستگیر شدم اما رضایت گرفتم.

۷. از روز قتل بگو.
ما به خانه‌ای در شهرک غرب رفتیم. پرهام گفت چند مهمان خارجی دارد. قرار بود ابتدا از آنها پذیرایی کنیم. بعد گفت از مهمانان کینه دارد و می‌خواهد آنها را تهدید کند و پول بگیرد. بعد از نیم ساعت پرهام دو اسلحه آورد. یکی را به من و دومی را به شوهرخواهرم داد. قرار بود ما با اسلحه فقط تهدید کنیم. چند دقیقه بعد پرهام دوباره سراغمان آمد و این بار گفت شما در دستشویی مخفی شوید. هر وقت اشاره کردم، بیرون بیاوید و شلیک کنید. زن و مرد سالخورده‌ای آمدند و در راه‌پله‌های زیرزمین بودند که پرهام فریاد زد شلیک. من از دستشویی بیرون آمدم و اول به سر خانم و بعد به سر آقا شلیک کردم.

۸. چه شد قبول کردی مرتکب قتل شوی؟
قبلش قرص خورده بودم و در حال خودم

نبودم. فکر می‌کنم تحت تأثیر آن قرص‌ها مرتکب قتل شدم.

۹. بعد از قتل چه کار کردید؟
شیشه کشیدیم. حال‌مان خوب نبود؛ پرهام گرفته بود. چند دقیقه‌ای طول کشید تا به خودمان بیاییم. پرهام از خانه بیرون رفت و با چند کیسه بزرگ برگشت. کیسه‌ها را کنار جسد‌ها گذاشت و خواست آنها را داخل کیسه قرار دهیم. قبلش هم چند برگه آورد و اثر انگشت مقتولان را زیر آن زد. کارش که تمام شد، به چاهی در گوشه حیاط اشاره کرد و گفت جسد‌ها را آنجا بیندازید و رویشان اسید بریزید تا اثری باقی نماند. دلم به حال مقتولان سوخت و از او خواستم اجازه دهد جنازه‌ها را به بیرون شهر ببرم و خاک کنم که قبول کرد. همراه شوهرخواهرم و پسر، جسد‌ها را به سمت شهریار برده و آنجا دفن کردیم و اسلحه‌ها را داخل رودخانه‌ای انداخته و برگشتیم. پرهام غذا گرفته بود تا همسایه‌ها فکر کنند آنجا مهمانی است اما کسی غذا نخورد.

۱۰. پسر چه نقشی در ماجرا داشت؟
در تمام مدت بیرون از خانه بود و نقشی در قتل نداشت.

۱۱. پشیمان نیستی؟
من و پرهام مثل دو آدم بی‌شعور مرتکب قتل دو انسان باشخصیت شدیم. از اولیای دم می‌خواهم که من را حلال کنند. آن روز همه چیز در من تغییر کرده بود. هیچ اختیاری بر رفتارم نداشتیم و فکر می‌کنم تحت تأثیر قرص‌هایی بودم که قبل از قتل خوردم.